

بازی های خطرناک ارتجاع و امپریالیسم در منطقه تأملی بر حوادث تروریستی در بلوچستان

اوج گیری درگیری های خطرناک نظامی در پاکستان و یورش گسترده ارتش این کشور به منطقه وزیرستان و پناهگاه های طالبان، در کنار تشدید درگیری های نظامی در افغانستان، نمی تواند با آنچه

در مناطق شرقی کشور ما می گذرد بی ارتباط باشد. ترور اخیر شماری از فرماندهان سپاه پاسداران در بلوچستان، که به ادعای برخی از رسانه های گروهی توسط گروه مشکوک "جندالله" صورت گرفت به نظر می رسد که خارج از مرزهای ایران طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شده است. این عملیات به شدت تحریک آمیز و جنایتکارانه هنگامی رخ داد که معاون فرماندهی نیروی

ادامه در صفحه ۲



شماره ۸۲۸، ۴ آبان ۱۳۸۸
دوره هشتم، سال بیست و چهارم

در این شماره:
اعمال فشار به فعالان جنبش کارگری -
سندیکایی محکوم است! در ص ۴
طرح تحول اقتصادی و منافع
توده های محروم جامعه در ص ۵
مبارزه دلیر جنبش دانشجویی در ص ۷
قرن بیست و یکم سده سوسیالیسم در ص ۱۲

سرمایه داری "اسلامی"، زحمتکشان و گسترش فقر در کشور!

توجه به اخبار پراکنده ای که از داخل ایران به بیرون درز می کند و یا توسط خبرگزاری های مجاز داخلی اجازه انتشار می یابد نشان از حدت فشاری دارد که بر زحمتکشان میهنمان وارد می شود. این فشار بخصوص در این روزها که حذف یارانه های دولتی به صورت عملی در حال اجرا است دشواری مضاعفی را به توده های کار و زحمت تحمیل می کند.

دست و پنجه نرم کردن با چنین مشکلاتی یک معضل جدید و نا آشنا برای زحمتکشان میهنمان نبوده و نیست چرا که با توجه به دلیل وجود چنین فشارهایی بود که احمدی نژاد در دور اول انتصابش به ریاست جمهوری سعی وافری کرد تا از این مسئله به نفع مقاصد سیاسی خویش بهره برداری کند و شعار بردن پول نفت بر سر سفره های مردم را می توان از جمله چنین سیاست های مزورانه ای عنوان کرد. در واقع امر منظور احمدی نژاد از "مردم" خود وی و همفکران چپاولگرش بوده است که معتقدند سالها این بساط چپاول برای او و دیگران فراهم نبوده و عده ای خاص بر سر این سفره نشستند بودند و اکنون نوبت آنهاست که سفره هایشان هر

ادامه در صفحه ۳

هدف ارتجاع از "طرح وحدت ملی" چیست؟

رابطه کاری انجام نشده است ...". موسوی در همین مصاحبه مطبوعاتی ضمن تشریح ریشه های بحران سیاسی از جمله گفت: "تا هنگامیکه مساله بحران و مشکل در کشور قبول نشود، تا هنگامی که مردم کثیر و اکثریت مردم اغتشاشگر نامیده بشوند، تا موقعی که مردم به حساب نیایند، تا موقعی که حق مردم قبول نشود برای تعیین سرنوشت خودشان، راه حل جامعی برای رفع مشکل پیدا نخواهد شد."

بر اساس گزارش رسانه های مجاز کشور، طرحی که پیش از این اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان "طرحی برای برون رفت از وضعیت کنونی" از آن یاد کرده بود از سوی طراحان آن به ولی فقیه رژیم تحویل داده شده است. مصباح یزدی از گردانندگان انجمن حجتیه و نظریه پرداز قتل و جنایت های اخیر طی دیداری با جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران با اشاره به طرح آشتی و وحدت ملی و ضمن حمله به میرحسین موسوی تاکید کرده بود محور وحدت ولایت فقیه است و چگونگی حصول اتحاد و محور وحدت از جمله مسایلی است که باید از آن ابهام زدایی شود. او تصریح کرده بود: "وحدت با هر کسی مطلوب

ادامه در صفحه ۹

طرحی که سران جنبش اصلاح طلبی، در تهیه آن دستی نداشته و از محتوی آن بی اطلاع اند نمی تواند در راستای خواست های جنبش مردمی باشد!

ولی فقیه و سران ارتجاع می کوشند با مانور های حساب شده، شکافی نرمیم ناپذیر در میان مخالفان و منتقدان کودتای انتخاباتی ایجاد کنند و صف میرحسین موسوی، خاتمی و کروبی را از دیگر اصلاح طلبان جدا سازند.

در هفته های اخیر موضوع "طرح وحدت ملی" بازتاب گسترده ای در مطبوعات کشور داشته است.

میرحسین موسوی، نامزد معترض به کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد ماه، در نخستین مصاحبه ای تصویری خود، که روز دوشنبه ۲۷ مهر در سایت کلمه، سایت اطلاع رسانی او منتشر شد، نظراتش را در مورد طرح "وحدت ملی" مطرح کرد. آقای موسوی ضمن یادآوری این موضوع که درباره ای این طرح با کسی گفت وگویی نداشته است، تلویحا تردید خود را در کارساز بودن چنین طرحی ابراز کرد. موسوی گفت: "تماس مستقیمی در این رابطه (طرح وحدت ملی) با بنده گرفته نشده و نه نامه نگاری صورت گرفته و نه مذاکره رسمی در این رابطه گرفته است. کلا در این

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه بازی های خطرناک ...

زمینی سپاه به همراه تنی چند از دیگر فرماندهان این نهاد نظامی-امنیتی، پنجمین نشست تامین امنیت منطقه با حضور عشایر را تدارک دیده بودند. نشست مذکور که در شهرستان پیشین از توابع سرباز استان سیستان و بلوچستان قرار بود برگزار شود با انفجاری مهیب به خاک و خون کشیده شد.

عملیات تروریستی توسط نیروهای مرتجع و وابسته به القاعده، نمی تواند اقدامی کور و صرفاً نظامی تلقی گردد. درمجاورت استان سیستان و بلوچستان یعنی در کشور پاکستان درگیری سختی میان ارتش این کشور با باندهای ارتجاعی طالبان و القاعده جریان دارد، نامنی در این مناطق با حساب و برنامه ای دقیق به مرزهای میهن ما سرایت داده می شود.

در این میان سیاست های ضد ملی دولت کودتا و اصولاً سیاست مبتنی برستم ملی رژیم ولایت فقیه نیز بستر مناسبی را برای فعالیت باندهای تروریستی در خدمت بیگانه مانند جندالله فراهم آورده است. تبعیض، فقر، تحقیر هم میهنان اهل تسنن و رواج تعصبات کور به شدت خطرناک مذهبی در منطقه در کنار سرکوب و اعمال فشار ارگان های نظامی و امنیتی به مردم بی پناه و گرسنه، در مجموع اوضاعی بحرانی و انفجاری پدید آورده است.

بدیهی است که عملیاتی از این دست در شرایط بحرانی کنونی کشور به ابزاری به دست نیروهای سرکوب برای تشدید جو ارباب بدل شود. اکنون نیز به دنبال عملیات تروریستی اخیر کودتاچیان سعی می کنند از آن دستاویزی ساخته و حملات خود به فعالان جنبش مردمی و از جمله میرحسین موسوی و مهدی کروبی را افزایش دهند. به عنوان مثال پایگاه خبری رجانپوز وابسته به کودتاچیان یکشنبه ۲۶ مهر ماه در مطلبی تحریک آمیز نوشت: "سکوت خاتمی، کروبی و موسوی در برابر فاجعه ترور فرماندهان سپاه... طی ماه های اخیر خاتمی، کروبی و موسوی بارها سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را مورد هجوم قرار داده و با ادعاهای دروغین، نظام جمهوری اسلامی را به سرکوب و شکنجه متهم ساختند."

همچنین همین تارنگاشت در گزارش دیگری عملیات تروریستی را به مخالفت های رو به گسترش با سپاه در داخل کشور نسبت داد و اعلام داشت: "امنیت منطقه شرق کشور از چندی قبل به سپاه پاسداران واگذار شده بود و این در حالی است که در ماه های پس از انتخابات، حمله به سپاه پاسداران به یکی از سوژه های اصلی برخی جریانات داخلی تبدیل شده است ..."

نکته قابل تأمل دیگر در این زمینه انتشار اخباری درباره ملاقات های مخفی سران سپاه با نیروهای نظامی آمریکا و فرماندهان پاکستانی برای کنترل منطقه در شرایط تشدید درگیری های نظامی کنونی است که می تواند یکی از دلایل حملات نیروهای وابسته به القاعده و طالبان در بلوچستان ایران باشد. سیاست های امپریالیسم و ارتجاع در سال های اخیر، کل منطقه خاورمیانه و خصوصاً کشورهای همسایگی شرقی ایران را با بی ثباتی و خطرات جدی رو به رو کرده است. ماضی محکوم ساختن عملیات تروریستی و به قتل رسیدن افراد، نسبت به رواج خشونت و درگیری های قومی و مذهبی در مناطق مرزی شرق و غرب کشور هشدار می دهیم!

ادامه طرح تحول اقتصادی ...

نفت خلیج فارس با تصویب این لایحه واحد پول ملی ضعیف تر می شود و اقتصاد بین المللی به اقتصاد ملی حاکم می شود. آثار تومی این لایحه مشهود است ..."

همچنین یکی دیگر از نمایندگان مجلس در مخالفت با این طرح یادآوری کرد: "با لایحه هدفمند کردن یارانه ها کارخانه ها ورشکسته می شوند، با این لایحه که به آزاد سازی قیمت حامل های انرژی می پردازد، وضعیت اقتصادی بدتر می گردد، آیا مردم توان پرداخت قیمت حامل ها با نرخ خلیج فارس را دارند؟ آیا هزینه فرسودگی سیستم پالایشگاهی و سیستم توزیع برق در کشور را باید از مردم بگیریم؟ با این طرح امکان رقابت کالاهای ایرانی و واحدهای صنعتی کشور با کشورهای خارجی به کلی از میان می رود ..."

و باید افزود در متن طرح هیچ گونه تأکید می کنیم هیچگونه ماده و یا تبصره حمایتی در خصوص منافع مردم وجود ندارد. اصلاح قانون کار، حذف تعیین سالیانه حداقل در دستمزدها مطابق نرخ تورم و تغییر سیستم تامین اجتماعی از اجزای اصلی طرح تحول و لایحه هدفمند سازی یارانه ها به شمار می آیند. در این طرح برای افزایش متناسب دستمزد کارگران و همه زحمتکشان فکری و یدی با افزایش سرسام آور هزینه های ناشی از اجرای هدفمند سازی یارانه ها چاره اندیشی نگردیده و اصولاً به آن پرداخته نشده است! طرح تحول اقتصادی و لایحه هدفمند سازی یارانه بخشی از راهبرد رژیم ولایت فقیه برای پیوستن به ارباب جهانی سازی و در راستای تعامل و همکاری و هماهنگی با سرمایه داری جهانی در کلیه عرصه ها از جمله سیاسی-امنیتی و اقتصادی است. بی جهت نبود هنگام تصویب آن در مجلس اعلام گردید: "با طرح تحول کشور در مسیر اصلاح ساختارهای اقتصادی قرار گرفت." و یا نماینده دولت کودتا با شادمانی خاطر نشان ساخت: "طرح لایحه هدفمند کردن یارانه ها با ابلاغیه اصل ۴۴ انطباق دارد و در جهت اجرای آن باید بخش خصوصی تقویت و سرمایه گذاری های لازم را صورت دهد، تا مادامیکه قیمت ها دستوری تعیین می شود، انگیزه سرمایه گذاری و جلب سرمایه کمتر می گردد..."

علاوه بر اینها رییس دولت کودتا-محمود احمدی نژاد- طی گفتگوی زنده تلویزیونی ۱۹ مهر ماه با حمایت از طرح تحول اقتصادی اظهار داشت: "ما به ضرورت اجرای این طرح بصورت قطعی رسیده ایم و دولت در این زمینه محکم است و کار را به پیش خواهد برد. نگاه ما از ابتدا همین بود و از ابتدا اعلام کردیم که اقتصاد دولتی به تاریخ پیوسته و یک تجربه شکست خورده است و اقتصاد را مردم (بخوان کلان سرمایه داران) باید اداره کنند ..."

طرح تحول اقتصادی و حذف یارانه در اوضاع کنونی به شدت به زیان اقتصاد ملی و حقوق و منافع زحمتکشان است. این طرح بخشی از برنامه ای است که کودتاچیان و همراهان سیاسی آنان برای معامله و زدو بند با امپریالیسم از آن سود می جویند. رژیم ولایت فقیه با اجرای این طرح ماهیت واقعی خود را آشکارتر می سازد.

ادامه سرمایه داری "اسلامی" ...

میزان متوسط حقوق زحمتکشان میهنان مقایسه کنیم اوج فاجعه آشکار می شود. لازم به تذکر است که در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد قیمت جهانی نفت به یک رکورد تاریخی رسید و میزان درآمدهای دولت در این چند سال به نحو بی سابقه ای افزایش یافت اما زحمتکشان میهنان هیچ نصیبی نبرند که هیچ، بلکه بر میزان فقر و بدبختی آنها نیز بسی افزوده شد.

البته ما تاکنون آمارهای مقایسه ای مزبور را در رابطه با کسانی عنوان کرده ایم که حداقل دارای شغلی هستند و منبع درآمد ناچیزی دارند که بتوانند آنها را چند صباحی کوتاه سرپا نگه دارد. اما اوضاع در رابطه با کسانی که دارای هیچ شغلی نیستند و یا به طور فزاینده ای شغل خویش را از دست می دهند و قادر به هیچگونه کار دیگری نیستند قاعدتا بایستی بسیار مشکل تر و فاجعه بارتر باشد. در چنین وضعیتی که حقوق بخور و نمیر کارگران و زحمتکشان حتی آن حداقل نیازهای اولیه و روزانه اشان را هم تامین نمی کند، رژیم سرکوب گر ولایت فقیه همچنان چهار نعل به قلع و قمع کارخانه ها و کارگران در جهت اهداف شوم اقتصادی خویش همچون گذشته ادامه می دهد. بیهوده نیست که ایلنا ۱۵ مهر ماه ۸۸ از قول یک کارفرمای صنعت نساجی می نویسد: "قط در نیمه نخست امسال ۳۰ درصد نیروی کار صنعت نساجی تعدیل شده است."

تابناک ۲۶ مهرماه در گزارشی با عنوان سونامی بیکاری کشور در راه است، می نویسد: "نرخ بیکاری از ۹/۱۰ درصد شروع کار دولت نهم به ۱۱/۳ درصد در انتهای کار این دولت رسیده است و این هشدار است برای دولت دهم."

سایت تابناک در این گزارش به شکل موزیانه ضمن ارایه آمارها در مورد بیکاری و رشد آن در آینده با تعدادی از دست اندرکاران، علت رشد بیکاری را جویا شده که در آن مثلا از سوی ولی الله صالحی نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار می نویسد: "نرخ بهره بانکی و شکل بانکداری عامل اصلی بیکاری است." منوچهر اقبالی نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار علت را نبود سرمایه گذاری و نبود امنیت می داند. خلیلی یکی دیگر از نماینده های کارفرمایان در شورای عالی کار افزایش ۲۰ درصدی حداقل دستمزد کارگران برای سال جاری را علت می داند. نایب رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار کشور بحران مالی جهانی را دلیل افزایش بیکاری در ایران می داند.

در تمامی این اظهارات هیچگونه اشاره ای در رابطه با سمت گیری های اقتصادی گفته نمی شود و خواننده را به نحو بسیار موزیانه و هدفمند گمراه می کند. اما انتشار همین گزارش گمراه کننده نشان می دهد که چنین معضلی قاعدتا بایستی نگرانی هایی را در بین مقامات حکومتی به وجود آورده باشد.

تصور وضعیت کسانی که به دلیل سیاست های خانمان برانداز اقتصادی به نیستی و نابودی کشانده می شوند زیاد مشکل نیست اما به نظر می رسد ما باید در آینده نیز شاهد ادامه چنین فجایعی در رابطه با زحمتکشان میهنان باشیم. واقعیت این است که مردم مبارز میهنان با رژیمی روبرو هستند که هیچگونه حق حیاتی مستقل ار اراده و خواست حکومتیان نمی توانند داشته باشند. رژیمی که در تمامی عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، هنری و غیره تمامی اتحاد جامعه را مجبور می کند به تبعیت از آنها تمکین کنند، در ارتباط با فعالیت های مایشایی نیز همین شیوه را به مورد اجرا گذشته است. امروز رژیم ولایت فقیه به تبعیت از صندوق بین المللی پول و همگام با سرمایه داری جهانی قصد دارد با نابود کردن آخرین سنگرها و خاکریزهای زحمتکشان میهنان سفره چپاول خویش را از طریق نابودی زندگی میلیون ها نفر از توده های رنج و زحمت پر بارتر سازد. گزارش های روزانه ای که در رابطه با ابعاد گرانی که بدون شک در ارتباط با خیزش رژیم ولایت فقیه برای حذف یارانه در تمامی سطوح هر روز به طرق گوناگون منتشر می شود ابعاد فاجعه بیشتری را در روزها و ماه های آینده در پیش روی ما می گذارد.

ادامه در صفحه ۵

چه بیشتر رنگین تر شود. زحمتکشان میهنان به خوبی آگاه هستند که همچون سیاق گذشته فقر و بدبختی همچنان دامنگیر میلیون ها نفر از آنها است و هر روز بر ابعاد فاجعه بار آن اضافه می شود.

نگاهی به گزارشات منتشر شده موجود ابعاد این فاجعه را به خوبی نمایان می سازد. ایلنا ۲۹ مهر در گزارشی از این وضعیت فلاکت بار به تشریح وضعیت جویندگان کارو میزان دستمزدهای دریافتی می پردازد و می نویسد: "جویندگان کار مجبور هستند در قبال ۱۲ ساعت کار با حقوق ماهیانه ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان سر تسلیم فرودبیاورند. فروشنده تازه کار برای حدود ۱۲ ساعت کار ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار تومان حقوق دریافت می کند و فروشندگان با تجربه ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان حقوق خواهند گرفت. ایلنا در این گزارش می نویسد که کارگران ساده در چنین وضعیتی با حقوق روزمزدی، حدود ۸ هزار تومان دریافت می کنند که با احتساب چهار روز تعطیلی ماهیانه، حقوق ماهیانه آنها ماهی ۲۰۸ هزار تومان خواهد بود. ایلنا در ادامه آورده است که، کارگر چسب زن کفش برای ۱۲ ساعت کار ۱۰ هزار تومان حقوق دریافت می کند. همین خبرگزاری ۲۰ مهر در گزارشی دیگر، به وضعیت کارگران ایران خودرو می پردازد. یکی از کارگران در مصاحبه با ایلنا می گوید که درآمد ماهیانه اش با اضافه حقوق ۵۰۰ هزار تومان است. سابقه این کارگر ۱۳ سال عنوان شده است. کارگر دیگری که در این شرکت با سابقه ۱۴ سال کار می کند ماهیانه ۶۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می کند. کارگر دیگری که مدت ۸ سال در این شرکت به صورت قراردادی کار می کند با همین میزان حقوق مشغول به کار است. قرارداد این کارگران هر ۶ ماه یکبار تمدید می شود. کارگر دیگر با سابقه ۱۴ سال کار و بدون اضافه کار حقوقی برابر با ۴۵۰ هزار تومان دریافت می کند.

اگر بخواهیم این آخرین آمارهای حقوقی را توسط خبرگزاری ایلنا که اخیرا منتشر کرده است را با آمارهای خط فقر در چندی پیش مقایسه کنیم میزان فلاکت و بدبختی که بر زحمتکشان میهنان می رود بیشتر روشن می شود.

روزنامه رسالت ۲۱ اسفند ۸۷ یعنی کمی بیشتر از ۷ ماه پیش در خبری از خط فقر از قول زارعی، اقتصاد دان می نویسد که، بانک مرکزی رقم ۷۸۰ هزار تومان را برای خط فقر شهرهای بزرگ کشور در سال ۸۷ اعلام کرد که با این حساب رقم خط فقر برای شهر بزرگ تهران که قیمت ها بالاتر از سایر شهرهای کشور است قطعاً رقم بالاتری بوده است. "وی پیش بینی کرده است که خط فقر در سال جاری (۸۸) رقمی بالاتر از ۸۵۰ هزار تومان شود.

سحام نیوز ۱۰ مهرماه ۸۷ یعنی یکسال پیش در گزارشی مشابه که تایید کننده آمارهای بالا است از قول راغفر عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا می نویسد: "در طول سه سال گذشته هر سال دو درصد به جمعیت فقرا افزوده شده است." این گزارش در ادامه از قول ثروتی با عنوان نماینده در مجلس آورده است که جمعیت ۱۰ میلیونی که در زیر خط فقر بودند در حال حاضر به ۱۴ میلیون نفر افزایش یافته اند. نکته جالب در این گزارش قسمتی از بیانات اسحاق صالحی معاون هدمندی یارانه ها و فقر زدایی وزارت رفاه در رابطه با آمارهایی است که وی اعلام کرده است و مربوط به سال ۸۴ است. با استناد به سخنان صالحی یک و نیم درصد جمعیت شهری و ۱۱ درصد جمعیت روستایی در آن سال در زیر خط فقر بسر می بردند. بنابر این گزارش، چینی درصدی از میزان فقر، ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از هموطنانمان را شامل می شده است، البته اذعان به چنین آماری به هیچ وجه از ابعاد فاجعه کم نمی کند اما در گزارش سحام نیوز در همان تاریخ آمده است که که، آمار رسمی خط فقر در سال ۸۳ یعنی یکسال قبل تر ۱۰ میلیون نفر اعلام شده است. سحام نیوز در ادامه همین گزارش نظر پژوهشگران را درج کرده که معتقدند جمعیت فقیر ایران به مرز ۲۰ میلیون نفر هم رسیده است.

هر چند دولت احمدی نژاد در طول چهار سال گذشته و هم اکنون سعی در کتمان واقعیت ها دارد اما اگر این آمارهای وحشتناک را با

در گذشته و امروز سبب عقب نشینی و یا انفعال مبارزات کارگری نمی گردد. جنبش کارگری قایم به افراد و اشخاص نیست و ریشه عمیق اجتماعی داشته و از حمایت سراسری کارگران کشور برخوردار است. حزب ما ضمن محکوم کردن احکام ناعادلانه و غیر قابل پذیرش زندان برای فعالان جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران، بار دیگر به اهمیت تشدید مبارزه برای تامین حقوق و منافع صنفی-سیاسی کارگران و پیوند آن با جنبش همگانی برضد کودتای انتخاباتی تاکید می کند. ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی و از آن جمله کارگران دربند هستیم!



اعمال فشار به فعالان جنبش کارگری - سندیکایی محکوم است!

دادگاه تجدید نظر استان خوزستان در اقدامی غیر قانونی احکام حبس برای پنج تن از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه را تایید کرد. به این ترتیب تعدادی از کارگران میهن ما صرفاً به دلیل دفاع از حقوق و منافع صنفی زحمتکشان و فعالیت در چارچوب یک تشکل علفی و قانونی-سندیکایی کارگران نیشکر هفت تپه- بار دیگر روانه زندان می شوند. خبرگزاری ایلنا ۲۰ مهرماه ضمن اعلام این خبر از قول یکی از اعضای سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، گزارش داد: "به تازگی دادگاه تجدید نظر احکامی که پیش تر در دادگاه بدوی برای پنج نفر از کارگران این شرکت صادر شده بود را تایید کرد، براین اساس دادگاه علی نجاتی، فریدون نیکوفر، قربان علی پور و جلیل احمدی به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری و هشت ماه حبس تعلیقی محکوم کرده است. این احکام در ارتباط با اعتراض های کارگری سال ۸۶ صادر شده است. در ۵۰ سال گذشته کارگران هفت تپه هیچگاه درسود این کارخانه شریک نبوده اند اما در ۲ سال گذشته به اجبار در زبان این کارخانه سهیم شده اند."

تایید احکام حبس توسط دادگاه تجدید نظر و اعلام آن در این مقطع خاص زمانی، از یک برنامه حساب شده حکایت می کند.

با توجه به ناراضی عمیق زحمتکشان از برنامه و سیاست های ضد مردمی دولت کودتا، ارتجاع برای مهار این ناراضی و جلوگیری از اعتصاب و تظاهرات کارگری، فعالان سندیکایی را به بند کشیده تا به زعم خود "دیگران از سرانجام مبارزه درس عبرت بگیرند."

فراموش نکنیم حکم دادگاه تجدید نظر استان خوزستان درست ۲۴ ساعت پس از اعتصاب غذای ۱۷۰۰ کارگر قهرمان کارخانه واگن پارس صادر و در رسانه ها بازتاب گسترده یافت. درحقیقت کودتاچیان برای مرعوب ساختن جنبش کارگری و ترساندن فعالان سندیکایی حکم زندان را برای فعالان سندیکا و کارگران آگاه نیشکر هفت تپه صادر و تایید کردند. با این اقدام دستگاه سرکوب کودتا پیام روشنی به جنبش کارگری-سندیکایی ارسال کرد! مبارزه زحمتکشان علیه دولت کودتا و برای تامین منافع به حق خود، با چنین ترندهایی متوقف نخواهد شد. بازداشت، شکنجه و حبس فعالان کارگری

ایجاد فضای امنیتی در مدارس و دبیرستان ها

ارتجاع حاکم که از نخستین روز بازگشایی مدارس در اول مهر ماه درنگرانی بسر می برد، در هفته های اخیر بردارنده اقدامات خود برای مهار اعتراضات فرهنگی و دانش آموزان به نحو چشم گیری افزوده است. بنابه دستور العمل کودتاچیان، مدیران مدارس و دبیرستان ها موظف هستند در جلسات شورای دبیران تاکید نمایند، هرگونه بحث و بررسی مسایل سیاسی و اجتماعی بویژه موضوع انتخابات ریاست جمهوری در کلاس های درس و دفاتر مدارس ممنوع بوده و عدم رعایت آن موجب پیگرد قانونی می شود. همچنین بسیج دانش آموزی در مدارس تقویت گردیده و وظیفه حفظ آرامش در فضای تحصیلی به آنان واگذار شده است. به گزارش خبرگزاری ایسنا ۲۰ مهر ماه، مراسم تودیع و معارفه فرماندهان پیشین و جدید بسیج دانش آموزی و بسیج فرهنگیان استان تهران با حضور فرمانده سپاه رسول الله تهران که مسئول سرکوب مردم تهران است، برگزار شد و طی آن پاسدار عراقی فرمانده لشکر مستقر در تهران زبان به تهدید فرهنگیان و دانش آموزان گشود و اعلام داشت در برابر هر گونه ناراضی و اعتراض در مدارس با شدت برخورد خواهد شد. وی از جمله خاطر نشان کرد: "الان دردنیای طوری تبلیغ می کنند که بسیج و سپاه آمدند و گرفتند و زند و کشتند و توانستند جامعه را آرام کنند ... هر روز آمار خود را ارایه می دهند و می خواهند این اتفاقات را به ۱۳ آبان، دانشگاه ها و سایر مناسب هایی که داریم متصل کنند، براساس اسناد اثبات شده پشت این حرکت، دگراندیشان هستند ما امروز به ایجاد وحدت در جامعه نیاز داریم و باید چهره بسیج را بازسازی کنیم و این امر می تواند در هفته بسیج، ۱۳ آبان و هفته بسیج دانش آموزی صورت پذیرد ..."

سازماندهی واحد های بسیج دانش آموزی و مانور هر روزه این واحدها در مدارس بطور کلی فضای حاکم در مدارس و دبیرستان ها را به شدت امنیتی کرده و مساله تحصیل و سواد آموزی را تحت شعاع خود قرار داده است. درعین حال در آستانه ۱۳ آبان تهدید فرهنگیان ابعاد گسترده ای پیدا کرده و بسیاری از آموزگاران و دبیران تلفن های تهدیدآمیز داشته و حتی برخی فعالان صنفی نیز از سوی دادگاه انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. در برخی از مدارس، تعدادی از آموزگاران و دبیران از سوی وزارت آموزش و پرورش به مصاحبه فراخوانده شده و طی آن به آنان اخطار گردیده از بحث سیاسی و حمایت از جنبش مردمی خودداری کنند، در غیر این صورت شغل خود را از دست خواهند داد.

از موارد دیگر، اعزام گروه های از طلبه ها و هیات های قرآن خوانی به مدارس از سوی نهادهای معینی است. وظیفه این هیات ها شستشوی مغزی نوجوانان و تبلیغ آشکار به سود دولت احمدی نژاد است. هرگونه مخالفت فرهنگیان آگاه و متعهد به این قبیل اقدامات با واکنش شدید مسئولان آموزش و پرورش روبرو می شود. در یک کلام، ارتجاع در هراس از شعله ور شدن آتش اعتراضات در دبیرستان ها و مدارس، فضایی از رعب و وحشت و خرافه پرستی به راه انداخته است. در مقابل فرهنگیان شجاع و متعهد و دانش آموزان آگاه با استفاده از هر امکانی به مبارزه خود ادامه می دهند. این مبارزه ای است به حق و مرتبط با جنبش سراسری ضد کودتای انتخاباتی!

دولت کودتا و برنامه خصوصی سازی آموزش و پرورش

با آغاز به کار دولت دهم یعنی دولت ضد ملی کودتا، باردیگر بحث خصوصی سازی آموزش و پرورش و سپردن امور آموزشی به بخش خصوصی در اولویت وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته و طرحی دردست تهیه است که مطابق آن برخی مساجد، حوزه های دینی و مراکز و بنیادهای خصوصی اجازه تاسیس مدارس تا سطح دبیرستان را پیدا می کنند، سرپرست وزارت آموزش و پرورش طی سخنانی در روز اول مهر ماه با تاکید بر اینکه یکی از سیاست های دولت احمدی نژاد "شکوفایی" آموزش و پرورش با سپردن امر آموزش به مردم و نیکوکاران مومن است، سپس افزود باید تفسیر جدیدی از اصل ۳۰ قانون اساسی داشته باشیم. یکی از راه دست یافتن به تحول اساسی با فراهم کردن زمینه فعالیت بخش غیر دولتی (بخوان بنیادهای انگلی، مراکز مذهبی، سازمان اوقاف و برخی مساجد) در آموزش و پرورش است.

درعین حال علیرضا علی احمدی وزیر پیشین آموزش و پرورش هنگام مراسم تودیع خطاب به مخالفان خصوصی سازی آموزش با صراحت اعلام داشت: "سی سال است که می گوییم آموزش و پرورش باید در کشور رایگان باشد، اما من نمی دانم این حرف از کجا آمده است و نتوانستم بفهم اصل ۳۰ قانون اساسی از کجا پیدا شده است."

اصل سی قانون اساسی که دولت احمدی نژاد با آن مخالفت می کند، مربوط به آموزش و پرورش

ادامه نگاهی به ...

رایگان است و در آن قید شده وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه وظیفه دولت است.

به نظر می رسد دولت کودتا در پی خصوصی سازی کامل نظام آموزشی برآمده و از هم اکنون زمزمه گسترش مدارس و دبیرستان های خصوصی به گوش می رسد. در نخستین گام معاون وزیر آموزش و پرورش خاطر نشان ساخته: "باید به سمتی حرکت کرد که وزارت آموزش و پرورش به جنبه اداری و خدماتی محدود شود تا از بار هزینه های دولت کاسته گردد."

وزارت آموزش و پرورش و اصولاً نظام آموزشی یکی از اولین عرصه های مورد نظر ارتجاع و نیروهای واپس گرا پس از انقلاب بود که در آن تغییرات منفی و زیان بار به سرعت صورت گرفت. نظام کهنه، ناکار آمد و به شدت عقب افتاده آموزشی و پامال شدن حقوق و منافع فرهنگیان دستاورد سلطه نکتت بار ارتجاع بر نظام آموزشی میهن ما به شمار می آید. این نظام فرسوده و عقب مانده با خصوصی سازی فاجعه خواهد آفرید و باید در انتظار تنزل باز هم بیشتر سطح علمی و فرهنگی کشور بود. آموزش در رژیم ولایت فقیه طبقاتی و همواره با تبعیض همراه بوده است، اصل سی قانون اساسی هرگز به درستی اجرا نگردیده و پس از پایان جنگ با اجزای برنامه تعدیل اقتصادی جنبه شدید طبقاتی یافته، ساختار نظام آموزش ناکار آمد و متزلزل است و بنابر این راه برون رفت از آن بازیابی و تغییر اساسی برپایه آموزش رایگان و اجباری برای همه بدون استثنا است. باید پیگیرانه با برنامه خصوصی سازی آموزش و پرورش مبارزه کرد و مانع از ژرفش عقب ماندگی علمی و فرهنگی شد.

تاسیس منطقه آزاد تجاری مشترک جمهوری اسلامی و ترکیه

محافل تجاری ترکیه و شرکت های خصوصی این کشور از ایجاد یک منطقه آزاد تجاری مشترک با رژیم ولایت فقیه که ابتکار آن از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا ارایه شده، استقبال کرده و تاسیس چنین منطقه ای را بسیار سود آور ارزیابی کردند. در جمهوری اسلامی نیز طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری با ترکیه از سوی دولت کودتا مورد تایید قرار گرفت. روزنامه کیهان، ۵ مهر ماه، در گزارشی با عنوان، "تاسیس بزرگترین منطقه آزاد خاورمیانه میان ایران و ترکیه نوشت: "ایران و ترکیه با هدف توسعه روابط تجاری میان خود در نظر دارند یک منطقه آزاد اقتصادی-تجاری را تاسیس کنند، طرح تاسیس این منطقه در مرز دو کشور با تایید وزیر صنعت و تجارت ترکیه است."

ایجاد منطقه آزاد تجاری بخشی از سیاست امپریالیسم جهانی در خاور میانه و حوزه دریای خزر بوده و هدف آن شکل دهی یک همگرایی اقتصادی-سیاسی و نظامی در منطقه است. بی جهت نیست وزیر صنعت و تجارت ترکیه اعلام می دارد، این کشور با حمایت همه جانبه اتحادیه اروپا و پشتیبانی آمریکا برای این طرح اهمیت ویژه قابل است. مطابق طرح فوق برای مقابله با روسیه و گسترش نفوذ امپریالیسم در قفقاز و حوزه دریای خزر و نیز حوزه خلیج

فارس و مهمتر از همه ایجاد یک تکیه گاه مطمئن برای ناتو در افغانستان با ایجاد مناطق آزاد تجاری در ایران، ترکیه و قفقاز (یعنی میان دولت باکو و گرجستان) همگرایی اقتصادی-سیاسی و در نتیجه نظامی تحت قیمومیت امپریالیسم شکل می گیرد که در نهایت به تحکیم نفوذ سیاسی و مالی سرمایه داری جهانی در این منطقه حساس منجر خواهد شد.

روزنامه کیهان با استقبال از طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری مشترک با ترکیه می نویسد: "زیر ساخت های حقوقی و نظام انگیزشی ما، راه را برای چنین پروژه ای هموار می کند، در ضمن منابع انرژی، گاز و دیگر منابع طبیعی ایران می تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد ... وزیر صنعت و تجارت ترکیه نیز تاسیس این منطقه آزاد را برای ترکیه بسیار مهم دانست و گفت، ما اهمیت بسیاری برای این پروژه قایل هستیم از آن جهت که آن را به بزرگترین و مهمترین کانون صنعت و تولید در خاورمیانه بدل کنیم. منطقه آزاد تجاری ایران-ترکیه علاوه بر تسهیل مبادلات و فعالیت های اقتصادی میان دو کشور با ارمنستان و جمهوری خود مختار نخجوان هم مرز است این پروژه برای مردم ارمنستان و نخجوان و (مجموعه قفقاز و خاور میانه) ایجاد اشتغال می کند و روابط بین ترکیه-ارمنستان و میان آذربایجان و ارمنستان و (گرجستان) را رو به عادی شدن می برد ..."

این طرح هنگامی در صفحات مطبوعات منتشر شد که وزیر اقتصاد و دارایی دولت نامشروع کودتا در جمع اعضای جامعه اسلامی مهندسان اظهار کرد: "سیاست های کلی اصل ۴۴ چند محور دارد که تحقق آن نیاز به تدوین نقشه راه و برداشتن گام های منظم و واریسی آن است، این واقعیت است که تازمانی که دولت کوچک نشود، بخش خصوصی بزرگ نمی شود، تاکید مقام معظم رهبری مبنی بر کاهش تصدی گری دولت و زمینه سازی برای حضور حقیقی بخش خصوصی است، تاسیس بانک های خصوصی، ایجاد مناطق آزاد تجاری و واگذاری سهام مراکز بزرگ در بورس از زمره سیاست های آینده ما هستند."

در سرلوحه این سیاست ها، تاسیس منطقه آزاد تجاری مشترک با ترکیه قرار دارد که مقدمات آن توسط اتحادیه اروپا فراهم آمده است. در این منطقه که قرار است یک "قطب صنعتی" شکل بگیرد، انواع معافیت های مالیاتی برای سرمایه گذاران وجود دارد و مانند دیگر نقاط جهان انحصارات فراملی و شرکت های خصوصی از هر نوع قانون و قاعده از جمله قوانین کار، بهداشت و ایمنی مستثنا هستند. میزان استثمار و بهره کشی و بی قانونی در مناطق آزاد تجاری همچون مناطق آزاد تجاری دوبی، مکزیک، آفریقای جنوبی و جز اینها، خارج از توصیف بوده و فقط باید گفت این گونه مناطق بهشت سرمایه خارجی و جهنم زحمتکشان و نیز محل نابودی تولید و صنعت ملی کشورها است.

ادامه سرمایه داری "اسلامی" ...

مشخص نیست رژیمی که هر روز با بوق و کرنا در رسانه های تبلیغی خویش دم از "ارزش های اسلامی" می زند و ادعا می کند جامعه را به سوی دوری از ضد ارزش های غربی رهنمون می سازد، چگونه است که در رابطه با مسایل اقتصادی بیشترین همراهی و همفکری را با جریانی در غرب دارد که معتقد است تنها راه سعادت بشریت همراهی و همگامی با شیوه های اقتصادی است که نتایج تاکنونی آن ثابت کرده هیچگونه دستاوردی برای توده های عادی به جز بدبختی و نکتت نداشته است. تنها دستاورد چنین سیاستی میلیاردها دلار درآمد های بادآورده است که نصیب حامیان و اجرا کنندگان این سیاست های اقتصادی کرده است آن هم به قیمت به بدبخت کشاندن میلیون ها نفر از آحاد جامعه. مبارزه دشواری که مردم میهنمان در عرصه های گوناگون بر علیه رژیم ولایت فقیه شروع کرده اند بایستی توجه ویژه به این امر مهم نیز داشته باشد. مبارزه و افشاگری بر علیه سیاست های اقتصادی رژیم که به تبعیت از صندوق بین المللی پول و سرمایه داری جهانی در حال به اجرا درآمدن است جزئی از مبارزه برای احقاق حقوق زنان، دانشجویان، خلق های تحت ستم، روزنامه نگاران، آزاداندیشان و دیگر فعالان سیاسی و مدنی است.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!



طرح تحول اقتصادی و منافع توده های محروم جامعه

“اثرات فاجعه بار برنامه هدفمند سازی یارانه ها بر زندگی اکثریت مردم میهن ما غیر قابل انکار است!”

شیب افزایش ۲۰ درصد قیمت ها را مصوب کرده ایم، اجرای این طرح به افزایش درآمدها و افزایش هزینه ها منجر می شود ...”

بر پایه این موضعگیری افزایش حداقل بیست درصدی قیمت ها اجتناب ناپذیر است، البته گفتنی است کارشناسان افزایش قیمت ها را بین ۵۰ تا ۶۰ درصد پیش بینی کرده اند و حتی معاون وزیر اقتصاد دولت کودتا و نیز وزیر نفت این دولت چنین جهشی در قیمت ها را دور از انتظار ارزیابی نمی کنند. به هر روی افزایش قیمت ها و تورم لگام گسیخته یکی از نتایج فاجعه بار اجرای طرح تحول اقتصادی است، اما در خصوص افزایش درآمدها و افزایش هزینه ها که سخنگوی کمیسیون ویژه به آن اشاره می کند، باید دید درآمد کدام قشرها و طبقات افزایش می یابد و افزایش هزینه های زندگی و امنیت شغلی کدام قشر و طبقات را در گرداب خود غرق می سازد؛ یکی از اصلی ترین موارد طرح مذکور یا همان لایحه هدفمند سازی یارانه ها، حذف یارانه سوخت حامل های انرژی و محاسبه آن به قیمت واقعی (فوب خلیج فارس، یعنی قیمت تحویل روی عرضه کشتی) است.

مفهوم آن نیز آزاد سازی نرخ ارز و تضعیف پول ملی است، بنابراین مجموعه مزدبگیران کشور، کارگران و زحمتکشان فکری و یدی چون دستمزد خود را با محاسبه پول ملی دریافت می کنند، قدرت خرید آنان نسبت به گذشته تنزل کرده و در واقع با اجرای طرح تحول اقتصادی و حذف یارانه ها سطح کنونی دستمزدها سقوط کرده و معیشت میلیون ها تن به خطر می افتد. به همین علت در صحن مجلس وقتی کلیات لایحه تصویب می شد، در مخالفت با آن علیرضا محجوب که نگران اعتراضات کارگری و متزلزل شدن پایه های رژیم ولایت فقیه است، هشدار داد: “من امروز برای فقرا و افرادی که از فقرا حمایت می کنند اعلام خطر می کنم. قیمت حامل های انرژی بر اساس ارزش پول ملی تنظیم شده است و تا به امروز واحد پول ملی عامل تعیین کننده قیمت بوده است اما امروز در این لایحه قیمت بر اساس فوب خلیج فارس پیش بینی شده است که به معنای تغییر واحد پول است با این کار و به این صورت به اقتصاد بین المللی گره زده می شویم، درحالی که از مزایای آن هیچ سودی نمی بریم ... کارگران و کارمندان ایرانی بر اساس ریل حقوق دریافت می کنند نه بر اساس

مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ۱۹ مهرماه سرانجام پس از هماهنگی لازم با دولت کودتا کلیات لایحه هدفمند سازی یارانه ها و یا همان طرح تحول اقتصادی را با ۱۸۸ رای موافق، ۴۵ رای مخالف و ۶ رای ممتنع به تصویب رساند و به این ترتیب دولت نامشروع و ضد مردمی احمدی نژاد برای اجرای “جراحی بزرگ اقتصادی-اجتماعی” به سود کلان سرمایه داران و لایه های انگلی مطابق با نسخه های بانک جهانی پشتوانه ضرور “قانونی” را به دست آورد! سال گذشته مجلس لایحه حذف یارانه ها (هدفمند سازی یارانه ها) را به علت نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری و نیز به دلیل نگرانی از اثرات اجتماعی آن از دستور کار خود خارج ساخته بود. اینک به دنبال رایزنی و هماهنگی میان مجلس و دولت برآمده از کودتا و با تغییرات اندکی که ربطی به محتوی طرح ندارد، برنامه هدفمند سازی یارانه ها در مجلس از تصویب گذشت و راه برای اجرای آن گشوده شد. سه تغییر داده شده در لایحه کنونی عبارتند از الف-افزایش دوره اجرای طرح از سه سال به پنج سال، ب-کاهش میزان و حجم پولی که قرار بود به بخش هایی از جامعه به صورت نقدی پرداخت گردد و ج-جلوگیری از تشکیل صندوقی که به دولت اجازه می داد، یارانه های نقدی را هر گونه که تمایل داشت هزینه نماید. جوانب اصلی طرح که به شدت به زیان مزدبگیران کشور و توده های محروم جامعه است به قوت خود باقی مانده و بر آن تاکید ویژه گردیده است. یکی از اعضای کمیسیون طرح تحول علت اصلی تغییرات در لایحه قبلی را طی مقاله ای در روزنامه سرمایه ۲۰ مهر ماه چنین توضیح می دهد: “سه تغییر در واقع سه ضلع مثلث، اجرای هدفمند کردن یارانه ها را در برمی گیرد و باعث می شود شیب تند افزایش قیمت ها به شیبی ملایم تغییر کند ... بدیهی است یک پنجم شدن میزان تزریق نقدینگی از ۸۰ هزار میلیارد به ۱۵ هزار میلیارد تومان با توجه به ساختار جامعه ما، باعث می شود. اقتصاد با صدمه (خوب توجه کنید صدمه اقتصادی) کمتری روبه رو شود پیش بینی آن است که حداکثر تورم ایجاد شده در سال اول اجرا ۱۰ تا ۱۵ درصد است ... این تورم را نیز به ناگزیر باید تحمل کرد چرا که وقتی جراحی اقتصادی انجام می دهیم باید میزانی از هزینه را نیز بپذیریم ...”

البته پرسش مهم اینجاست چرا مردم محروم و زحمتکشان باید هزینه جراحی اقتصادی مطابق نسخه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را بپردازند؟ و چرا ثروتمندان، تجار بزرگ و بطور کلی کلان سرمایه داران در طرح تحول اقتصادی مورد مهرورزی قرار گرفته و از پرداخت هزینه معاف هستند؟ آنچنانکه پیدا است تغییرات اعمال شده صرفاً برای کاستن از موج نارضایتی اجتماعی است و مضمون طرح تغییری نکرده است.

یکی از موارد بسیار منفی طرح کنونی حذف یارانه گندم، برنج، روغن، شیر، دارو، خدمات پستی، نهاده های کشاورزی مانند بذر، کود و نهال و نیز خدمات ریلی (راه آهن) در کنار حذف یارانه های سوختی است و بی گمان با توجه به رکود تولید و سطح نازل دستمزدها حذف یارانه موادی چون نان، روغن و گندم فشار فوق العاده سنگینی را بر دوش میلیون ها زحمتکش شهر و روستا وارد خواهد ساخت.

ملایم ساختن شیب افزایش قیمت ها با زمان بندی پنج ساله به جای سه سال نیز دردی از مردم را دوا نخواهد کرد.

هنگام رای گیری لایحه در مجلس سخنگوی کمیسیون ویژه طرح تحول اقتصادی در خصوص اثرات تورمی طرح اعتراف کرد: “ما در تصویب این لایحه،



موج فشار بر مطبوعات و روزنامه نگاران از توقیف نشریات تا فیلتر تارنگاشت ها و بازداشت نویسندگان

طی هفته های گذشته با توقیف چند نشریه دیگر و احضار و بازجویی گروهی از دست اندرکاران عرصه مطبوعات و نیز بیکاری تعداد قابل توجهی از روزنامه نگاران و خبرنگاران، فرآیند سرکوب، اختناق و سانسور وارد مرحله تازه ای شد، بویژه آنکه توقیف نشریات و اعمال فشار به نویسندگان تارنگاشت ها و وبلاگ ها همزمان با فعالیت اعضای جدید هیات منصفه مطبوعات بود. روز شنبه ۱۱ مهرماه پس از آغاز بکار هیات منصفه جدید مطبوعات، این هیات در نخستین اقدام خود که در راستای سیاست کودتاچیان قرار دارد، سه روزنامه را تعطیل و حکم لغو امتیاز آنها را صادر کرد.

روزنامه های «فرهنگ آشتی»، «آرمان روابط عمومی» و «تحلیل روز» از زمره نشریات منتقد کودتای انتخاباتی بودند و از سیاست و مشی مستقل و جدای از ارتجاع حاکم و دولت ضد مردمی احمدی نژاد پیروی می کردند. به عنوان نمونه روزنامه فرهنگ آشتی، پیش از لغو امتیاز طی گزارشی فهرست یارانه پرداختی وزارت ارشاد اسلامی به مطبوعات سراسر کشور را انتشار داده بود که در آن با صراحت اعلام می شد، روزنامه ها، تارنگاشت ها و نشریات حامی دولت احمدی نژاد بیشترین یارانه مطبوعات را دریافت کرده اند. روزنامه فرهنگ آشتی در گزارش خود نشان می داد فقط در سه ماه نخست سال جاری، روزنامه کیهان وابسته به ولی فقیه با سردبیری شکنجه گر رسوای رژیم، حسین شریعتمداری با دریافت ۵۲۹ میلیون تومان و روزنامه ایران ارگان دولت کودتا با ۴۷۰ میلیون تومان یارانه در صدر فهرست کمک یارانه ای وزارت ارشاد قرار دارند. خبرگزاری فارس، رجانپوز، بصیرت، ثانیه نیوز، صبح صادق، وطن امروز و ده ها نشریه و تارنگاشت دیگر نیز از جمله دریافت کنندگان یارانه های کلان هستند و همگی به شکل هماهنگ از دولت کودتا و قتل و جنایت ماه های اخیر پشتیبانی کرده و می کنند.

روزنامه «تحلیل روز» که با اقدام مرتجعان به مفاک تعطیلی کشانده شد، پرتیراژترین روزنامه مستقل مناطق جنوبی کشور بود که در شهر شیراز منتشر می گردید. علت اصلی لغو امتیاز این روزنامه مستقل، مخالفت آن با کودتای انتخاباتی و حمایت از مردم و خواست های آنان بود. پایگاه خبری-اطلاعاتی جنبش راه سبز-جرس-۱۴ مهر ماه با اشاره به توقیف روزنامه «تحلیل روز» از جمله نوشت: «آغاز کودتای مطبوعاتی- رسانه ای، توقیف ۳ روزنامه در کمتر از ۲۴ ساعت ... به این ترتیب همزمان با حذف چهره های معتدل از هیات منصفه مطبوعات و شدت گرفتن توقیف روزنامه ها از سوی هیات نظارت که ترکیب اصلی آن در اختیار دولت برآمده از کودتای انتخاباتی است و توقیف همزمان ۳ روزنامه شواهد حاکی از آغاز کودتای مطبوعاتی-رسانه ای جناح حاکم است»

به این ترتیب از زمان آغاز کارزار انتخابات ریاست جمهوری و به دنبال آن کودتای انتخاباتی تاکنون دست کم شش نشریه توقیف شده اند، نشریاتی مانند «کلمه سبز» به صاحب امتیازی میرحسین موسوی، «یاس نو» متعلق به جبهه مشارکت و «روزنامه آریا». نتیجه این توقیف شدن ها، بازداشت ده ها روزنامه نگار و خبرنگار و نابودی امنیت شغلی آنان بوده است. علاوه بر اینها، صدها تارنگاشت و وبلاگ در ماه های گذشته مورد حمله کودتاچیان قرار گرفته و فیلتر شده اند. طی مدت پنج ماه گذشته با دستور مستقیم شورای عالی امنیت ملی سرعت اینترنت در ایران کاهش یافته و بسیاری از تارنگاشت ها فیلتر شده و اعمال سیاست مسدود ساختن اینترنت دسترسی به آن را دشوار کرده است.

در این خصوص علاءالدین بروجردی رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس چندی پیش خاطر نشان ساخت، اطلاع رسانی از طریق تارنگاشت ها خطری برای امنیت کشور است و تدوین و اجرای برنامه ای برای فیلتر شدن آنها ضرورت دارد. روزنامه سرمایه ۸ مهرماه در گزارشی تکان دهنده از ابعاد و ژرفای سیاست ارتجاع برای تشدید سانسور و اختناق پرده برداشت، در این گزارش آمده است: «بازنه ای بالغ بر ۷ میلیارد تومان، بیش از ۱۰ میلیون سایت و وبلاگ

فیلتر شده است ... زمستان سال گذشته مشاور قضایی دادستان کل کشور اعلام کرد در ایران بیش از ۵ میلیون وب سایت اینترنتی به دلیل مطالب غیر اخلاقی و ضد اجتماعی مسدود شده است که البته وجود سایت های خبری و اطلاع رسانی نیز در همین آمار می گنجد ... اما اینک (در پایان سال ۱۳۸۸) براساس آمارها بیش از ۱۰ میلیون سایت (البته بخشی از آنها غیر اخلاقی هستند و در مسدود شدن شان اختلافی نیست) فیلتر شده است. اما افزایش سهم سایت ها و وبلاگ های خبری و اطلاع رسانی از ابتدای امسال نسبت به سال گذشته افزایش قابل توجهی داشت است ... در این گزارش با تاکید بر هزینه بالغ بر ۷ میلیارد تومان برای تشدید اختناق و سرکوب به چگونگی فیلتر کردن تارنگاشت های خبری و سیاسی اشاره می شود. در این خصوص نباید از نقش سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات غافل شد.

سپاه، و بویژه بخش اطلاعاتی-امنیتی آن، بطور مرتب گزارش درباره تارنگاشت ها و وبلاگ های خبری و سیاسی را تهیه کرده و به کمیته تعیین مصدق فیلتر ارایه می کنند. درحقیقت یک تعقیب و مراقبت جدی و پیگیرانه در فضای مجازی توسط سپاه و وزارت اطلاعات برنامه ریزی شده و هدف آن شکار و حمله به تارنگاشت ها و وبلاگ های سیاسی و روشنگرانه است. این اقدامات معنایی جز سرکوب و نقض آزادی اندیشه و بیان ندارد و ادامه و مکمل اعمال فشار در جامعه است. فیلتر کردن تارنگاشت ها و پایگاه های اطلاعاتی-خبری و تحلیلی احزاب و سازمان های سیاسی شناخته شده ملی و مترقی در صدر این اعمال سانسور قرار دارد. صرف میلیاردها تومان سرمایه کشور برای تشدید اختناق و سرکوب آزادی بیان، قلم و اندیشه، اثرات فاجعه بار بر حال و آینده جامعه خواهد داشت. کودتاچیان برای تقویت موضوع خود علاوه بر سرکوب فیزیکی و اعمال قهر، مروج سانسور نیز هستند، درواقع سانسور و پامال کردن حقوق روزنامه نگاران روی دیگر سکه قتل و تجاوز و خون ریزی به شمار می آید و دولت ضد ملی برآمده از کودتا با اعمال سانسور در پی تحکیم و تثبیت موقعیت متزلزل خود است.

موج فشار بر مطبوعات و روزنامه نگاران، ضرورت مبارزه خستگی ناپذیر برای تامین حقوق دمکراتیک از جمله آزادی بیان و اندیشه و قلم را برجسته می سازد. فقط با ایستادگی و مبارزه و مقاومت می توان سد اختناق و سانسور را شکست و اهداف کودتاچیان را ناکام گذاشت!

مبارزه دلیرانه جنبش دانشجویی

به رغم تلاش همه جانبه ارتجاع و تمهیدات کودتاچیان، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی صحنه مبارزه و مقاومت دلیرانه جوانان و دانشجویان میهن ما است. اعتراضات نخستین روزهای بازگشایی دانشگاه ها که بازتاب گسترده و مثبت در جامعه داشت، ارگان های سرکوبگر را به تشدید فشار به جنبش دانشجویی وادار ساخته است بنابه گزارشات منتشره، مدیریت دانشگاه صنعتی اصفهان با

حمایت بسیج دانشجویی و حراست دست به تصیّفه دانشجویان این دانشگاه زده است.

خبرنامه امیرکبیر ۲۰ مهر ماه در این باره گزارش داد، حدود ۱۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان به کمیته انضباطی احضار و برای ۳۰ دانشجو حکم یک ترم محرومیت از تحصیل و برای ۱۶ نفر دیگر نیز حکم دو ترم محرومیت با قرار درج در سنوات تحصیلی صادر گردیده است. درهمین حال طی ۱ ماه اخیر تعداد قابل توجهی از دانشجویان دانشگاه مذکور به وزارت اطلاعات و شعبه دادگاه انقلاب اسلامی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته اند. دردانشگاه رازی کرمانشاه حداقل چهار فعال دانشجویی از ورود به محوطه دانشگاه محروم شده اند. برای دوتن دیگر از

دانشجویان حکم اخراج از خوابگاه دانشجویی و پرداخت ۵۰۰ هزار تومان جریمه صادر گردید، علاوه بر این ها در هفته های اخیر ده ها دانشجو به کمیته های انضباطی فراخوانده شدند. دانشگاه اهواز نیز شاهد برخورد بسیج دانشجویی، حراست و وزارت اطلاعات با دانشجویان و فعالان جنبش دانشجویی بود. ۱۵ تن از دانشجویان این دانشگاه پس از احضار به کمیته انضباطی، احکام محرومیت مقطعی از تحصیل دریافت داشتند.

به گزارش خبرنامه امیرکبیر، ۲۱ مهرماه امسال، پس از بازداشت ۱۷ تن از اعضای شورای مرکزی و عمومی دفتر تحکیم وحدت و آزادی ۱۵ تن و انتقال دو نفر به زندان اوین، احضار و بازجویی از این دانشجویان همچنان ادامه دارد، دفتر

پی گیری یکی از ساختمان های معروف وزارت اطلاعات که در چهار راه ولی عصر تهران واقع شده، محل احضار و بازجویی از دانشجویان است به تصریح خبرنگار امیرکبیر، در این احضارها فشار بازجویان بیشتر بر روی دختران دانشجویان و بازجویان جلسات بازجویی را طولانی و پیوسته می کنند. در دانشگاه صنعتی شریف تهران نیز ده ها دانشجویی معترض احضار و تهدید شده و برای چند تن از آنان حکم تعلیق از تحصیل صادر شده است. دردانشگاه نوشیروانی مازندران نیز چند دختر دانشجو که از زمره فعالان جنبش دانشجویی محسوب می شوند توسط معاونت دانشجویی از خوابگاه اخراج و زمینه اخراج آنها از تحصیل هم آماده می شود. در مشهد نیز دو دانشجویی چپ از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به ۱۰ سال حبس محکوم شدند.

درچنین فضایی و علی رغم موج سرکوب، جنبش دانشجویی به مبارزه خود ادامه می دهد که نمونه های اخیر آن بیانیه گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران و تاکید آنها بر ادامه مبارزه تا تحقق آزادی است.

همچنین باید به تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه آزاد مرکز اشاره کرد که صبح روز ۲۱ مهر برگزار شد و در آن دو هزار دانشجو شرکت داشتند، این گردهمایی با یورش گارد ویژه سپاه و نیروی انتظامی به خشونت کشید و عده ای از دانشجویان پس از ضرب و شتم بازداشت شدند. با تداوم مبارزه و پیوند آن با

زندگی روزمره مردم می توان از سویی به ارتقاء سطح مبارزه دردانشگاه ها یاری رساند و از سوی دیگر امکان توان جنبش مردمی را دررویارویی ارتجاع تقویت کرد! به هر روی همبستگی و همگامی با جنبش دلیرانه جوانان و دانشجویان وظیفه همه نیروهای ضد استبدادی است!



ادامه هدف ارتجاع ...

نیست.

احمد جنتی عضو فقهای شورای نگهبان و یکی از حامیان اصلی کودتای انتخاباتی نیز در نماز جمله ۲۴ مهر ماه به تهدید مردم و اصلاح طلبان بویژه میرحسین موسوی و مهدی کروبی پرداخته، اعلام داشت: "فتنه گران باید به هوش بیایند، توبه کنند و از گذشته خود ابراز پشیمانی کنند تا رافت اسلامی شامل حال آنها شود، زیرا قبل از آن رافت معنایی ندارد ... اکنون مساله براندازی است، یعنی ۳۰ سال جهاد، شهادت، رزمندگی و سختکوشی را می خواهند پایمال کنند و اسلام را به دوران طاغوت برگردانند ..."

چنین موضعی و درکنار آن، تهدید دایمی اصلاح طلبان، حملات فیزیکی و ضرب و شتم مهدی کروبی، در کنار تهدید او به پیگیری قضایی و برخورد دادسرای ویژه روحانیت و نیز صدور احکام نا عادلانه، از جمله حکم ۵ سال زندان تعزیری برای هدایت آقای و شهاب طباطبایی و حکم ۵ سال حبس تعلیقی برای سعید حجاریان، نه تنها نمی تواند طرحی برای وحدت باشد بلکه نشان از تلاش های کارگزاران ارتجاع برای درهم کوبیدن جنبش مردمی و خلاصی رژیم از بحران کنونی است. در روزهای اخیر یکی از مسایل طرح شده در روزنامه ها و رسانه های گروهی موضوع چگونگی تدوین و اجرای "طرح وحدت یا آشتی ملی" بوده است.

محمد رضا باهنر، نایب رییس مجلس شورای اسلامی درگفت و گویی با خبرگزاری ایلنا، ۲۵ مهرماه، در این باره گفت: "طرح هایی از این دست برای ایجاد وحدت میان گروه ها و چهره های سیاسی باید به دور از فضا سازی رسانه ای دنبال شود، آن شالله طرح هاشمی (رفسنجانی)، طرح خوبی خواهد شد و به نتیجه می رسد. برای اعلام جزئیات این طرح عجله نکنید."

بعد از باهنر، نوبت به عسگر اولادی رسید تا به عنوان یکی از اعضای کمیته شش نفره تدوین "طرح وحدت ملی" موسوم به "طرح هاشمی رفسنجانی" در این زمینه مطالبی را بیان کند. وی در نشست خبری عصر یکشنبه ۲۶ مهر ماه، در دفتر جامعه اسلامی مهندسين، از جمله خاطر نشان ساخت "تعدادی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت به این فکر افتادیم که خدمت آقای هاشمی رفسنجانی برسیم و از ایشان بخواهیم در رابطه با موضوعاتی با صراحت بیشتر اعلام نظر کنند ... آقای هاشمی رفسنجانی خطاب به ما گفتند که اگر ایده ای برای حل مسایل پس از انتخابات دارید، طرح خود را ارائه دهید ... ایشان نیز در مورد مساله ولایت و وحدت بخشی حول محور ولایت تاکید داشتند و طرح تقدیمی ما خدمت رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام منجر به این شد که گزارش این طرح را نیز خدمت رهبری بدهیم و امروز نیز منتظر هدایت ها و ارشادهای ایشان هستیم ... حرف آقای هاشمی (رفسنجانی) این بود که من دولت را مشروع می دانم، این سخن ایشان برخلاف سخن خیلی ها بود که مشروعیت دولت را به رسمیت نمی شناختند." عسگر اولادی با اشاره به موضع میرحسین موسوی، خاتمی و کروبی یادآور شد: "وحدت ما حول محور ولایت حاصل است و اگر کسانی خود را از آهنگ نظام کنار نگه می دارند نمی شود به آنها گفت که بیایید و همگام با آهنگ نظام شوند، من سوالی از این دوستان دارم (موسوی و خاتمی) چه کسی شما را درانزوا قرار داده است. نظام ما قانون اساسی و ولایت دارد، شما نمی خواهید با ولایت هیچ ارتباطی داشته باشید و اگر با ولایت ارتباط ندارید خارج از نظام هستید، مگر می شود با خارج از نظام ... وحدت داشت."

کیهان ارگان تاریک اندیشان حاکم و مدافع کودتاچیان در یادداشت روز خود، ۲۵ مهر ماه، در مطلبی با عنوان "احیای ناکام پروژه فشار و چانه زنی" نوشت: "یک بازاندیشی دوباره در حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم نشان می دهد بخشی از جریان اصلاح طلب در واقع هدفی جز سرپا کردن دوباره ایده کهنه از طریق ترمیم راس و بدنه نداشته است. برخی از اداره کنندگان جریان اصلاحات - مشخصا همان طیفی که سند تاملات راهبردی را نوشت - تصور می کرد، این انتخابات فرصتی منحصر بفرد برای رفع نواقص استراتژی فشار از پایین و چانه زنی در بالاست ... در زمینه بازسازی سرمایه اجتماعی هم نهایتا نقش اصلی به میرحسین موسوی و اطرافیان او واگذار شد تا با به خیابان آوردن هواداران خود آرزوی بریاد رفته اصلاح طلبان در مورد حمایت فعال بخشی از مردم از آنها محقق شود ... شورش برای امتیاز گیری این ترجمه استراتژی به زبان سال ۸۸ بود...". کیهان سپس نتیجه می گیرد، تمام اعتراضات مردمی

"برنامه ریزی چندین ساله طرف های خارجی برای تضعیف ایران از درون با استفاده از برخی خواص درون حکومتی با هدف تجزیه اقتدار رهبری" بوده است و حتما باید سران اعتراضات دستگیر، محاکمه و مجازات شوند!

آنچه مسلم است این است که حوادث اخیر ضربه جبران ناپذیری به حیثیت ولی فقیه و رژیم استبدادی حاکم وارد آورده است. برای نخستین بار در تاریخ حکومت سی ساله جمهوری اسلامی، بخش مهمی از رهبران انقلاب و بخش عمده روحانیت طراز اول مملکت در ماه های اخیر ضمن مخالفت با سیاست های بیش از پیش انحصارگرایانه خامنه ای و وابستگان نظامی و انتظامی او نگرانی خود را از سرنوشت "حکومت اسلامی" اعلام داشته و با تشدید فشارها و تهدیدهای ارگان های امنیتی رژیم رو به شده اند. رژیم با درک ابعاد بحران مشروعیتی که با آن رو به روست برنامه های گوناگونی را برای به دست گرفتن کنترل اوضاع دنبال می کند.

ولی فقیه و سران ارتجاع می کوشند با مانور های حساب شده، شکافی ترمیم ناپذیر در میان مخالفان و منتقدان کودتای انتخاباتی ایجاد کنند و صف میرحسین موسوی و خاتمی و کروبی را از دیگر اصلاح طلبان جدا سازند.

طرح وحدتی که اساس آن به رسمیت شناختن دولت کودتا و تأیید سرکوب و خون ریزی های اخیر مزدوران ارتجاع باشد نمی تواند طرحی مورد قبول جنبش مردمی و نیروهای آزادی خواه کشور باشد.

ایستادگی برخواست مشروع و به حق توده ها، از جمله ایطال نتایج دروغین اعلام شده انتخابات ۲۲ خرداد ماه، محاکمه احمدی نژاد و دیگر مسببان سرکوب های خونین اخیر و سازمان دهندگان محاکمات فرمایشی شماری از رهبران جنبش اصلاح طلبی از جمله خواست های اکثریت قاطع مردم میهن ماست که بدون رسیدگی به آنها نمی توان به آینده تحولات و پایان بحران خوشبین بود. تاکید میرحسین موسوی برحق حاکمیت مردم به لحاظ سیاسی اعتباری درخور را برای وی به منظور رویارویی با تحولات و فعل و انفعالات پیش رو به همراه می آورد. تمام قدرت میرحسین موسوی و دیگر اصلاح طلبان مقاوم در همین اعتبار خلاصه می شود. نیروی مردم و به رسمیت شناختن حق حاکمیت و اعمال اراده آنها در سرنوشت کشور!

بجاست همصدا با دیگر نیروهای ملی و مترقی کشور، باردیگر بر ضرورت اتحاد عمل و سازماندهی یک رهبری منسجم و واحد برای جنبش مردمی در مبارزه با استبداد که از مراحل مختلف می گذرد، تاکید کنیم.

میهن ما لحظات حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذراند. وظیفه عاجل و مبرم همه نیروهای میهن دوست در این لحظات تشدید مبارزه برضد استبداد، تقویت جنبش سراسری مردمی همراه با برنامه عمل واحد است.

حمایت احزاب کمونیست جهان از مبارزه

مردم فلسطین

همانطور که در شماره قبل نامه مردم گزارش شد، اجلاس فوق العاده احزاب کمونیست کارگری جهان با شرکت نمایندگان ۵۲ حزب از ۴۳ کشور جهان در فاصله روزهای ۶ الی ۸ مهرماه در دمشق پایتخت سوریه برگزار شد. این کنفرانس فوق العاده که دستور کار عمده آن همفکری و تبادل نظر در رابطه با جنبش همبستگی با مبارزه مردم فلسطین و دیگر خلق های منطقه خاورمیانه بود، به درخواست احزاب کمونیست اردن، لبنان و سوریه در پایتخت کشور سوریه برگزار شد. هونین نیمیر، دبیر اول حزب کمونیست سوریه، که ریاست اجلاس را به عهده داشت، از آغاز نشست در رابطه با ضرورت دستیابی به توافق هائی بر برداشتن گام های عملی در همبستگی با مردم فلسطین و مردم منطقه تاکید داشت. عمده سخنرانی ها و بحث های اجلاس کمونیست های جهان متوجه ارائه تحلیل های جامع در رابطه با سیاست های امپریالیسم جهانی و متحدان منطقه ای آن برای تامین هژمونی همه جانبه اقتصادی، سیاسی و نظامی بر خاورمیانه و طرح راه حل های کارا برای سازماندهی مقاومت خلق ها و تامین استقلال اقتصادی- سیاسی کشورهای منطقه بود. در سخنرانی ها به کرات مسئله "تروریسم دولتی و تجاوز اسرائیل به حقوق بشر در تمام مناطق تحت اشغالی فلسطین" مورد اشاره و محکوم گردید. نمایندگان احزاب شرکت کننده ادامه اشغال خاک فلسطین و دیگر اراضی عربی، و سیاست های صهیونیستی ایجاد دیوار حایل، یا "پاکسازی قومی" آن ها را محکوم کردند. یکی از مهم ترین موضوعات مورد بحث اجلاس پیشنهاد ضرورت "اعلام یک جانبه کشور فلسطین" از سوی "حزب مردم فلسطین" بود. هنا امیره، عضو هیئت سیاسی حزب مردم فلسطین، و عضو هیئت اجراییه "سازمان آزادیبخش فلسطین" سند حزب مردم فلسطین در رابطه با: "استراتژی تاسیس کشور مستقل فلسطینی و دستیابی به حقوق مردم مان"، در اجلاس ارائه کرد. بر طبق این سند تاسیس کشور فلسطین در تمامی سرزمینهای اشغال شده در سال ۱۹۶۷، با اورشلیم شرقی بعنوان پایتخت آن و مطابق یک برنامه زمانی معین، یا بعنوان پی آمد یک روند سیاسی جدی و یا از طریق یک اعلامیه یک جانبه از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین، می تواند یک آزمون واقعی درباره آمادگی جامعه بین المللی برای تاسیس یک کشور مستقل فلسطینی و برسمیت شناختن مرزهای آن براساس مصوبات تصویب شده توسط سازمان ملل متحد باشد. و یا روبرو قرار دادن جامعه بین المللی در برابر یک واقعیت جدید که تا خاتمه دادن به اشغال نظامی در سرزمین های کشور فلسطینی، تا تحصیل برسمیت شناختن دوطرفه بین دو کشور، تا تعریف قانونی ماهیت رابطه بین دو کشور، و تا دستیابی به یک راه حل عادلانه برای آرمان فلسطینی براساس مصوبه ۱۹۴، به تمام تعهدات قبلی حکومت خودگردان فلسطینی در مقابل اسرائیل پایان دهیم.

شرکت کنندگان در کنفرانس با اشاره به "قطعنامه شماره ۲۴۲ سازمان ملل و دیگر قطعنامه های مربوطه پیرامون خروج اسرائیل از تمام مناطق اشغال شده در سال ۱۹۶۷، قطعنامه ۱۹۷ سازمان ملل در باره رد اشغال صهیونیستی بلندی های جولان، و در باره برچیدن فوری تمام شهرک های صهیونیستی در تمام اراضی اشغالی" خواهان به اجرا در آمدن فوری قطعنامه های سازمان ملل شدند. در رابطه با پیشنهادهای عملی در رابطه با همبستگی با مردم فلسطین ابتکار برگزاری یک روز کنش بین المللی توسط بلید نریمانده، دبیر کل حزب کمونیست افریقای جنوبی، پیشنهاد شد که با موافقت همه جانبه اجلاس روبرو شد. نمایندگان چند حزب کمونیست طرح کارزار برای معلق کردن موافقتنامه تجاری بین اسرائیل و اتحادیه اروپا را پیشنهاد کردند. طرح برگزاری روز همبستگی با مردم فلسطین به باور تعدادی از نمایندگان حاضر در اجلاس فرصتی برای آگاهی دادن به جنبش همبستگی وسیعتر، به لزوم همبستگی با مردم لبنان و سوریه و مطالبات آنها برای باز پس گرفتن زمینهای اشغال شده توسط اسرائیل در مقطع جنگ های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ میباشد.

در خاتمه اجلاس فوق العاده احزاب کمونیست و کارگری جهان، بیانیه مطبوعاتی ای که توسط حزب کمونیست سوریه تهیه شده بود با حمایت اکثریت شرکت کنندگان به تصویب رسید.

بیانیه مطبوعاتی

با توجه به شرایط متشنج موجود در خاورمیانه ناشی از ادامه امتناع اسرائیل و صهیونیسم، به پشتیبانی آمریکا، از پذیرش و به رسمیت شناختن حقوق مردم فلسطین در تعیین سرنوشت خویش و استقرار دولت مستقل ملی خود، و حق بازگشت پناهندگان به موطن شان؛ به دلیل ادامه جنایت های اسرائیل علیه این مردم؛ به سبب ادامه اشغال بلندی های جولان در سوریه، بخش هایی از جنوب لبنان و عراق توسط اسرائیل؛ و به خاطر تهدیدها و فشارهایی که علیه سوریه اعمال می شود، احزاب کمونیست و کارگری جهان نشست فوق العاده ای را در سوریه فراخواندند تا درباره موارد ذکر شده به بحث و گفتگو بنشینند و موضع مقتضی اتخاذ کنند.

در پی برگزاری این نشست در روزهای ۶ تا ۸ مهرماه ۸۸ (۲۸ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹)، که نمایندگان بیشتر از ۵۰ حزب در آن شرکت داشتند، به منظور طرح و تنظیم یک برنامه عملی برای اتخاذ اقدام های مشترک در همبستگی با مردم فلسطین و دیگر مسائل اعراب، شرکت کنندگان در این نشست بر سر موارد زیر موافقت کردند:

۱. حمایت از حقوق مردم فلسطین و تنها نماینده برحق آن (سازمان آزادیبخش فلسطین)، برای اعلام یک جانبه تشکیل و برپایی یک دولت فلسطینی مستقل و ملی در کرانه غربی و نوار غزه، به پایتختی اورشلیم شرقی. شرکت کنندگان در این نشست سازمان ملل متحد و دیگر کشورهای جهان را به شناسایی کامل این دولت فرا می خوانند.

۲. برپایی اقدام های مشترک در روز ۸ آذر (۲۹ نوامبر)، روز جهانی همبستگی با مردم فلسطین. این اقدام ها می تواند شامل راهپیمایی، تحصن در مقابل سفارتخانه های اسرائیل در کشورهای که روابط دیپلماتیک با اسرائیل دارند، راهپیمایی و تحصن در برابر دفاتر سازمان ملل متحد، یا سفارتخانه های آمریکا، در حمایت از حق مسلم و قانونی بازگشت پناهندگان، حق تعیین سرنوشت، و حق برپایی یک دولت خودمختار ملی، و علیه یهودی سازی اورشلیم، ایجاد و نگهداری شهرک های یهودی نشین، و برضد دیوار حایل.

۳. تحت فشار گذاشتن کشورهای که روابط دوجانبه ممتاز و ویژه با اسرائیل دارند، به ویژه کشورهای اتحادیه اروپا، برای قطع کردن چنین روابطی.

۴. سازماندهی اقدام های گوناگون در روز ۱۵ ماه مه (۲۵ اردیبهشت) هر سال برای پشتیبانی همه جانبه از مردم فلسطین.

۵. سازماندهی اقدام های گوناگون در روز ۱۴ دسامبر (۲۳ آذر) هر سال برای همبستگی با شهروندان سوری بلندی های جولان اشغالی، فراخواندن همه کشورها برای تقبیح و محکوم کردن تصاحب این منطقه توسط اسرائیل، و برای بازگرداندن آن به سرزمین مادری اش، یعنی سوریه.

۶. تنظیم یک برنامه عملی به منظور ایجاد و تدوین یک پایگاه رسانه ای مشترک برای احزاب کمونیست و کارگری جهان.

برگزاری همایشی از وکلا و کارشناسان حقوقی برای کشاندن جنایتکاران جنگی آمریکایی و اسرائیلی به دادگاه و رسیدگی کردن به جنایت های صورت گرفته در صبرا، شتیلا، قانا، جنین، غزه... و دیگر جنایت های صورت گرفته علیه غیرنظامیان در فلسطین، لبنان، سوریه، و نیز جنایت هایی که علیه مردم عراق صورت گرفته است.

ادامه قرن بیست و یکم ...

واکنش به خواست‌های مشابه برای تغییر در این کشور به روی کار آمد، به اقدامات محدودی نسبت به سیاست‌های کلی دولت گذشته به نخست‌وزیری هاوارد دست زده است. در هر دو مورد روشن است که سوسیال‌دموکراسی نمی‌تواند و نمی‌خواهد سرمایه‌داری را به چالش بکشد. دولت جدید استرالیا در اردیبهشت امسال برنامه دفاعی خود را در پیروی از ایالات متحده، که با افزایش بی‌سابقه‌ی نیروی دریایی و هوایی این کشور به همراه است و بزرگ‌ترین گسترش ارتش استرالیا از زمان جنگ جهانی دوم خواهد بود اعلام کرد. این اقدام برخلاف خواست اکثریت استرالیایی‌ها است، که در نظرخواهی سال ۲۰۰۸ نشان دادند که ۷۰ درصد مردم با هزینه بیشتر برای نظامی‌گری مخالفند. دولت راد مشخص ساخته است که هم پیمانی با ایالات متحده در مرکزیت سیاست خارجی و راه بردی نظامی استرالیا قرار دارد و قدرت نظامی جدید استرالیا متوجه چین در پشتیبانی از برنامه‌های دراز مدت ایالات متحده می‌باشد.

استرالیا هم اکنون با ربودن از منابعی که برای تأمین نیازهای انسانی و اجتماعی و رشد اقتصادی در رویارویی با رکود عمیق لازم است در حدود ۷۰ میلیون دلار را روزانه صرف نظامی‌گری خواهد کرد. سرمایه‌داری در استرالیا با ستاندن بهای گزافی از زحمت‌کشان زن و مرد در سیاست‌های هردو دولت نو لیبرال و سوسیال دموکرات تبلور یافته است. نظام‌های بهداشت و آموزش همگانی ما بشدت از کمبود بهسازی رنج می‌برند چرخه حمل و نقل همگانی ما در حال فرسودگی و بطور ناپیدا در معرض خصوصی‌سازی قرار گرفته است. مزایا و شرایط کارگران در معرض دست‌برد دائم هستند. خصوصی‌سازی لحام‌گسیخته در همه جا حکمفرماست. مناطق روستایی و کناری استرالیا مورد سهل‌انگاری قرار گرفته‌اند. سیستم رفاه اجتماعی در حال نابودی است. مردم بومی استرالیا از حقوقشان محروم می‌گردند. حقوق دموکراتیک و سندیکایی کارگران در معرض یورش قرار دارند. محیط زیست ما در برابر آسیب‌های گسترده و بازگشت‌ناپذیر قرار گرفته است.

سوسیالیسم

اگر قرار است آینده‌ای داشته باشیم این شرایط نمی‌تواند ادامه یابد. تنها نظام‌هایی که توانسته‌اند بحران‌های اقتصادی در ۲۰۰ سال گذشته را برطرف نمایند نظام‌هایی با اقتصاد سوسیالیستی بوده‌اند. تولید سوسیالیستی اسیر اقتصاد بازار سرمایه‌داری و دوره‌های آشفتگی و شرارت‌آمیز رقابت، آگهی‌های تجارتنی، مصرف‌گرایی و اسراف گرفتار نیست. هدف سوسیالیسم تأمین نیازهای انسانی با اقتصاد

برنامه‌ریزی شده است.

کوبای سوسیالیستی دارای پایدارترین اقتصاد دنیا است. اقتصاد برنامه‌ریزی شده کوبا در جهت تأمین نیازهای انسانی و نه سودهای انحصاری توانسته است نتایج حیرت‌آوری پدید آورد. البته بالندگی اقتصادشان یکدست و آسان نبوده است؛ نمی‌توان گفت که به اقتصاد آرمانی دست یافته‌اند و با دشواری‌هایی که خود را نمایان می‌سازند روبرو هستند. اما سوسیالیسم ثابت کرده است که نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برتری نسبت به سرمایه‌داری می‌باشد. سوسیالیسم متعهد به برآورد کردن نیازهای مردم و نه خواسته‌های خودخواهانه بهره‌کشان است. در نظام سوسیالیستی تولید فرصت‌های شغلی؛ تأمین حقوق دموکراتیک واقعی، مالکیت عمومی، حفظ محیط زیست، شرایط برتر آموزشی و درمانی، خدمات بیشتر برای جوانان و برابری واقعی اقتصادی و اجتماعی برای زنان اهداف اساسی به شمار می‌روند.

چنین گزینه اجتماعی، چشم‌انداز حزب کمونیست استرالیا و کمونیست‌ها در سراسر جهان، نمونه واقعی و اثبات شده در برابر مدل شکست خورده‌ی سرمایه‌داری است. شرکت وسیع رأی‌دهندگان ایالات متحده، در نوامبر ۲۰۰۸، برای دگرگونی، تغییرات گرایش به چپ و پیشرو در امریکای مرکزی و جنوبی و شکست دولت فرامحافظه‌کار هاوارد، نخست‌وزیر پیشین استرالیا، همگی بیان‌گر خواست عمیق مردم برای دگرگونی، برای اجرای سیاست‌هایی که نیاز مردم را مقدم بر سودوری قرار می‌دهند می‌باشد. در سراسر دنیا مردم علیه سیاست‌های سرمایه‌داری و جنگ امپریالیستی مبارزه می‌کنند. اکنون نظام‌های سرمایه‌داری در کشورهای بی‌شماری بیش از هر زمانی مورد چالش و بازبینی قرار گرفته‌اند.

دولت‌های ارتجاعی به زیر کشیده شده‌اند و جنبش‌های رهایی‌بخش و مردمی به پیروزی‌های چشم‌گیری دست یافته‌اند. مبارزات ضد جهانی‌سازی در هر گوشه‌ای از کره‌ی زمین در حال شکل‌گیری است. مبارزه برای صلح و علیه جنگ و غارت امپریالیستی تمامی قاره‌ها را پوشانده است. برای پایان دادن و در آن جا که ممکن باشد مقابله با تأثیرات بهره‌کشی و تخریب‌سازی سرمایه‌داری بر محیط زیست اقدام‌هایی بی‌درنگ ضرورت دارند.

صلح پایدار همراه با عدالت تنها هنگامی تضمین می‌گردد که علت‌های پایه‌ای جنگ مانند انگیزه‌های دست‌یابی به سود شخصی، نژادپرستی، ناسیونالیسم، فقر و ستم‌های ناشی از تأثیر گرایشات سودورزانه از بین برده شوند. ما در استرالیا باید برای سیاست‌هایی مبارزه نماییم و از مبارزاتی حمایت کنیم که بتوانند خطر جنگ را به میزان زیادی کاهش دهند و بخشی از بودجه‌ی نظامی کنونی بالغ بر ۷۰ میلیون دلار در روز را برای پروژه‌های محیط زیست و نیازهای اجتماعی آزاد سازند.

بیکار مشترک

دوران پیش رو توان قابل توجهی برای گشایش رادیکال و حتا انقلابی در مبارزه برای رشد اقتصادی عادلانه‌تر و دموکراتیک و سوسیالیسم دارد. امکان‌های بیشتری برای مقاومت و پیشرفت اجتماعی وجود دارند. توده‌ها خواهان تغییر وضعیت موجود و تغییر بنیادین آن هستند. آنها جهانی بهتر می‌خواهند. برای این تغییر از نیرویی که در طبقه‌ی کارگر همراه با متحدینش نهفته است بهره خواهند جست. ما برای استفاده از این توان و دست‌یابی به تغییر لازم شرایط زندگی خود باید جنبشی مردمی و دموکراتیک، متنوع، متحد و متعهد به مبارزه‌ی توده‌ای برپا داریم.

کارزار "حقوق شما در محیط کار" که با برنامه‌ریزی و هماهنگی لازم فعالیت می‌کند در مخالفت با دولت هاوارد نمونه‌ای از توانایی مبارزه متحد جنبش است. حضور طیف گسترده‌ی نیروهای اجتماعی و گروه‌های سیاسی در آن کارزار نشان می‌دهد که همکاری پیرامون مسائل نه تنها امکان‌پذیر است بلکه بی‌نهایت اثربخش است. هنگامی که مردم با پیشینه‌های متفاوت سیاسی، مذهبی، قومی و شغلی دست به دست یکدیگر می‌دهند تا به هدفی دست یابند که همگی در مورد آن هم‌آمی‌باشند، به نیروی قدرتمندی تبدیل می‌شوند که باید آنرا به حساب آورد و آن را همچو اهرمی برای تضمین تغییر اجتماعی مثبت در استرالیا بکار بست. توانایی برای پیدایش یک نیروی سیاسی با توانمندی ایجاد شکل نوینی از دولت که سیاست‌های مهار قدرت‌یابی شرکت‌های بزرگ را پیاده نماید و حقوق دموکراتیک مردم را افزایش دهد وجود دارد. هدف حزب کمونیست استرالیا برپایی جامعه‌ی منصفانه‌تر، همکارانه‌تر، دموکراتیک‌تر و هرچه بیشتر بارور ساختن مردم از جامعه‌ی کنونی می‌باشد. چنان جامعه‌ای تنها می‌تواند یک جامعه‌ی سوسیالیستی باشد. بحران ژرف نظام سرمایه‌داری شرایط لازم و پایه‌ای تغییرات ریشه‌ای را فراهم می‌سازد.

ما شما را فرا می‌خوانیم که بخشی از مقاومت روز افزون در برابر سرمایه‌داری باشید. این مقاومت در تکامل خود به جنبشی انقلابی فراخواهد روید که سده ۲۱ را به سده



قرن بیست و یکم سده سوسیالیسم

متن کوتاه شده‌ی سخنرانی دکتر "هانا میدلتون"، دبیرکل حزب کمونیست استرالیا، در مراسم گشایش کنگره حزب در تاریخ ۱۰ مهرماه

سرمایه‌داری در حال نابودی بشریت و کره‌ی زمین است. نظامی است که ترجیح می‌دهد انسان‌ها از گرسنگی تلف شوند و با بی‌خانمانی در خیابان‌ها به سر برند ولی از میزان سودها به منظور تأمین نیازهای زندگی مردم نگاهند. و این برای همگان آشکار گردیده است. آینده‌ی بشریت و کره‌ی زمین نیاز به یک دگرگونی بنیادی در جهت برنامه‌های سیاسی و تعیین خطمشی‌ها دارد. هدف ما بنای جامعه‌ای است که مسائل سرشتی سرمایه‌داری -- جنگ، بهره‌کشی، نابودی محیط زیست، ستم، فقر، بی‌کاری، نادانی، نژادپرستی و بی‌عدالتی - را رفع نماید. و این در حالی است که چین، کوبا و ویتنام سوسیالیستی در پیشبرد وظایف انسانی، اقتصادی و محیط زیستی پیش‌گام بوده‌اند و نظام کهنه سرمایه‌داری در این زمینه‌ها بارها و بارها شکست خورده است. سوسیالیسم برای بقای ما، برای آینده‌ی ما ضروری است. برای همین است که ما حزب کمونیست را "حزب آینده" می‌نامیم.

گرایش به جنگ

به منظور حفظ غارت و سود شرکت‌های بزرگ، دولت‌ها منابع هنگفتی را بجای تأمین نیازهای انسانی برای برنامه‌های نظامی هزینه می‌کنند. نیروهای عظیم نظامی که دائم در حال رشد هستند بازوی نظامی جهانی‌سازی سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهند.

هر سال رقمی در حدود ۱ تریلیون دلار آمریکایی هزینه جنگ افزار در جهان می‌گردد. این رقم از درآمد نیمی از کل جمعیت روی زمین بیشتر است. بودجه‌ی نظامی ایالات متحده از کل اقتصاد استرالیا بیشتر است در حالی که فقر جهانی و نابرابری در حال بدتر شدن می‌باشد. ایالات متحده هم اکنون در بیش از ۱۰۰ کشور پایگاه نظامی در اختیار دارد، موضوعی که استقلال و حق حاکمیت تمامی کشورها را بدون استثناء مورد تهدید قرار می‌دهد. سرمایه‌داری تهدیدی برای آینده‌ی بشریت است.

خواست‌ها برای دگرگونی

پیروزی چشم‌گیر اوپاما در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده با حمایت رأی دهندگانی که خواهان تغییر هستند ممکن است به جابجایی برخی از اولویت‌ها و کاهش برخی تنش‌ها بیانجامد ولی سیاست کلی راه‌بردی امپریالیسم ایالات متحده در گسترش کنترل بر تمامی جهان ادامه پیدا خواهد کرد. دولت جدید با نخست‌وزیری کوین راد در استرالیا که در

هزینه‌ی سرمایه‌داری

در نظام سرمایه‌داری ما نه تنها با بحران جهانی اقتصادی و نتایج اجتماعی آن روبرو هستیم، بلکه با بحران غذایی که حیات و سلامتی هزاران میلیون از مردم را مورد تهدید قرار داده، با بحران محیط زیست که آینده‌ی حیات بر روی کره‌ی ما را به خطر انداخته و احتمال جنگ‌های نوین روبرو می‌باشیم. نزدیک به یک میلیارد نفر از گرسنگی مزمن رنج می‌برند و روزی یک صد هزار نفر بطور مستقیم و غیرمستقیم در نتیجه‌ی کمبود مواد غذایی جان خود را از دست می‌دهند و باید میلیون‌ها نفر را که به آب آشامیدنی سالم، خدمات درمانی، آموزش و دیگر خدمات ضروری دسترسی ندارند بیافزایید.

بحران کنونی را آنچه مارکس و انگلس ۱۶۰ سال پیش از این در مانیفست کمونیست نگاهشتند تأیید می‌نماید - شرایطی که در آن انسان‌ها با رنج و فلاکت روبرو هستند و این به هیچ وجه برای کمونیست‌ها مسرت‌بخش نیست. عطش پایان‌ناپذیر برای کسب سود بیشتر و باز هم بیشتر، چنگ انداختن به منابع جدید سود و انباشت آن به هر وسیله‌ی ممکن از جمله جنگ و دیکتاتوری بی‌رحمانه به هرج و مرج اقتصادی و رنج انسانی در ابعاد هولناکی انجامیده است.

درآمد سرانه در بیش از ۷۰ کشور رشد نیافته در ۲۰ سال گذشته به شدت سقوط کرده است. ثروت در دست کسانی چنان انباشته گردیده که ۲۰۰ تن از ثروتمندترین افراد روی زمین بیشتر از ۴۰ درصد تمامی مردم دنیا ثروت در اختیار دارند.

ادامه در صفحه ۱۱

کمک مالی رسیده

آرش چمنی به مناسبت ۶۸ مین سالگرد
حزب توده ایران ۳۰۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 828
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Monday 26 October 2009

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse